

حمایت انگلیس ها از رژیم خاندانی نادرشاه در سرکوبی قیام اقوام پکتیا (۵)

(از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)

(پیوسته به گذشته)

علاوه بر تقاضای مواد سوخت طیاره های جنگی، آموزش صاحبمنصبان افغان در هند بریتانوی و تقاضای اسلحه گوناگون ثقیله و سبک، تقاضای لوی درستیز قوای مسلح دیگر جنرال محمد عمر خان، قوماندان قوای مرکز کابل دیگر جنرال [سردار] محمد داؤد خان و رئیس بخش سیاسی وزارت خارجه نجیب الله خان، شامل تجهیزات بیشتری بود. آتشه نظامی سفارت انگلستان در کابل (کرنیل الکساندر اسلاتر لنکستر) در مکتوب ارسالی اش از تجهیزات آتی دیگر نام برده مینویسد:

«تجهیزات مخابره: لوی درستیز قوای مسلح به من [آتشه نظامی سفارت انگلیس] اظهار داشت که حکومت ما در کل سامان آلات پیشنهاد شده را می پذیرد. اما این نشاندهنده تمام ضروریات شان نیست، ولی برای آغاز بسیار مفید میباشد.

لوازم پرتاب اسلحه و تجهیزات از هوا: تقاضا برای این لوازم در حد متوسط خواهد بود، اما این مسئله به مشوره ما [انگلیس ها] برای تنظیم مجدد، وسایل و آموزش قوای هوایی افغان ارتباط میگیرد.

لوازم توپچی:

الف: گفتند که حکومت افغانستان درک میکند که در زمان حاضر درخواست آنها، بدون تانک های سبک، برای تهیه اسلحه گران قیمت ضد تانک و توپ های دافع هوا، از نظر سیاسی معقول نمی باشد، زیرا حکومت روسیه خواهد پرسید که چرا آنرا گرفتند و احتمال استعمال این اسلحه علیه کی خواهد بود... جنرال محمد داؤد خان از من خواست تا راجع به موضوع آموزش خدمه تانک ها در هند مذاکره کنیم، و گفت که به فکر ایجاد یک یا دو قطعه تانک های سبک برای استفاده وظایف امنیتی و عملیات علیه افراد قبایلی میباشد.

ب: راجع به توپ های صحرايي و کوهی به من اطلاع دادند که حکومت افغانستان میخواهد درخواست این نوع اسلحه را بسیار محدود و یا در حال حاضر شامل لست نسازد. آنها پیشنهاد کردند که تا حد امکان آنرا با هاوان های ۳ و ۲، ۴ انچه تعویض کنند. آنها دریافتند هاوان ها، بخصوص هاوان های ۲، ۴ انچه دور برد در عملیات علیه افراد اقوام بی نهایت مفید میباشد.

وسایل نقلیه زنجیر دار: مشخصات و عکس های وسایل نقلیه زنجیر دار به وزارت حریبه داده شده است، تا هنوز تصمیمی راجع به دادن دوصد (۲۰۰) عراده از این وسایل نقلیه گرفته نشده است. توقع می رود در چند روز آینده درین باره تصمیم گرفته شود.

تجهیزات متفرقه: حکومت افغانستان آماده است تا دوربین ها، قطب نما ها، و فاصله سنج های پیشنهاد شده را بپذیرد، و به من اطلاع داده شد که یک لست مفصل تجهیزات مورد نیاز دیگر آماده شده و به من تسلیم خواهد شد.

لنکستر می افزاید «صاحبمنصبان ارشد اردوی افغانستان بر اهمیت دستیابی به تفنگ، ماشیندار های سبک و متوسط و هاوان بیشتر از تعداد پیشنهادی حکومت هند تاکید کرده اند. گرچه "جنرال جان سواين" در دهلی به مسئول هیئت مأموریت نظامی افغان گفته بود که نمی توان تعداد را افزایش داد، آنها همچنان ابراز امیدواری می کنند که اکنون جنگ در اروپا به پایان رسیده است، آنها می توانند سلاح های بیشتری برای پیاده نظام را خریداری کنند. من این نظر آنها را تشویق نکردم و به آنها یادآوری کردم که ما هنوز با جاپان در جنگ هستیم. احساسات موجود در میان این صاحبمنصبان افغان احتمالاً ناشی از تأثیرات روحی پیروزی ما در جنگ علیه آلمان است. با این حال، جالب است بدانیم که آنها به جای استفاده از تجهیزات توپخانه فنی تر، روی سلاح های پیاده نظام ساده تر تمرکز می کنند که بسیاری از آنها در عملیات علیه افراد قبایل در ولایات جنوبی یا مشرقی ارزش واقعی نخواهد داشت».

لوی درستیز قوای مسلح به من اطلاع داد که حکومت او از طریق سفارت امریکا در کابل در مورد امکان خرید وسایل نقلیه مازاد و سایر تجهیزات مربوطه مورد استفاده اردوی امریکا در ایران و مصر معلومات خواسته است. وی لاری های باربری و تجهیزات کمپ و غیره را از جمله خریداری های احتمالی عنوان کرد. میجر فاکس، آتشه نظامی امریکا، این درخواست را که از طریق آقای اینگیرد، سفیر امریکا در کابل مطرح شد، به من گفت. او قول داده است که من را به

طور کامل در مورد هر تحولی که ممکن است رخ دهد، در جریان بگذارد. لوی درستیز نیروهای مسلح همچنین اظهار داشت که پیشنهاد داده است که تعداد هاوان های ۴,۲ اینچی از آمریکا درخواست شود، زیرا در عملیات ثابت شد که هاوان های ۴,۲ اینچی ما از نمونه امریکایی قدیمی تر و سنگین تر است... تلاش برای متقاعد کردن صاحبمنصبان هیئت که هاوان های ۴,۲ اینچی ما به خوبی هاوان های امریکایی بود، ظاهراً موفق نبوده است.

اعزام صاحبمنصبان افغان به هند برای آموزش

درخواست اعزام صاحبمنصبان افغان برای آموزش به هند مجدداً توسط جنرال محمد داؤد خان و جنرال محمد عمر خان در ۱۹ و ۲۲ ماه می مطرح شد. آنها پیشنهاد کردند که پنجاه صاحبمنصب در دو دسته جداگانه ۲۵ نفری برای دوره های آموزشی و مدارس نظامی در هند اعزام شوند. جزئیات کامل ارائه نشده است، اما دوره ذکر شده شامل موارد زیر است:

الف - اعزام چند صاحبمنصب برای آموزش و اسلحه پیاده نظام.

ب - اعزام چند مأمور جهت آموزش رانندگی و نگهداری از حمل و نقل موتوری و وظایف تدارکات.

ج - اعزام چند صاحبمنصب برای آموزش مخابره .

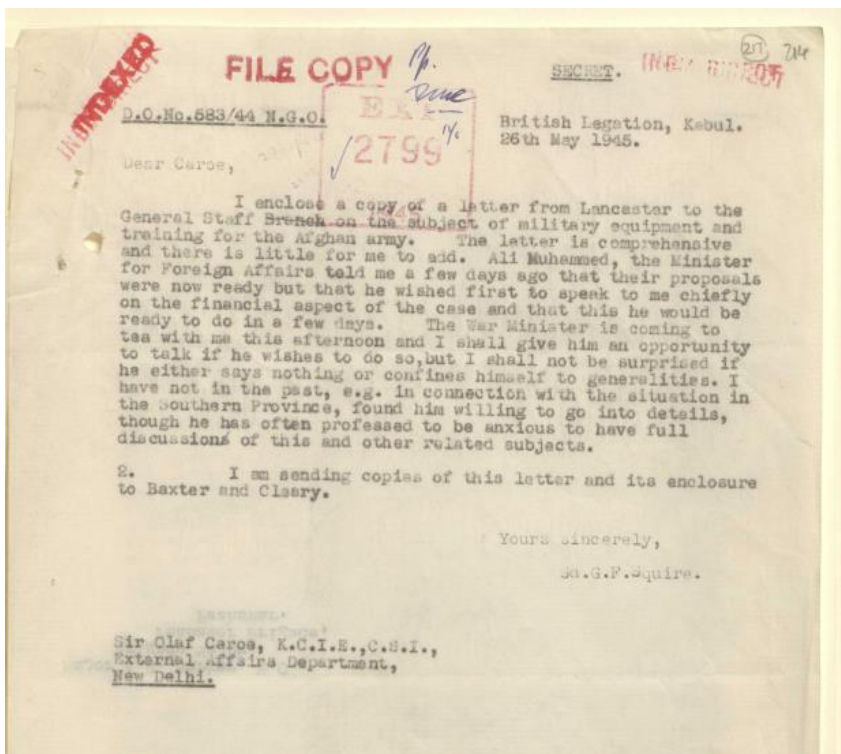
د- اعزام چند صاحبمنصب برای آموزش توپخانه، هم توپ های کوهی و هم صحرائی.

ه - اعزام چند صاحبمنصب برای آموزش به آموزشگاه تانک های زرهی .

و- اعزام تعداد نامشخص صاحبمنصب و مأمور برای آموزش انجینری، زره پوش، ترمیم تجهیزات و غیره.

درخواست قطعی برای چنین آموزش هایی بعداً ارائه خواهد شد، اما نگرانی در مورد مصارف بلند صاحبمنصبان در حال آموزش افغان در هند بیان شد و به ۱۴ صاحبمنصب افغان که در بخش خدمات، توسط حکومت هند در ایست آبادتحت آموزش میباشند، اشاره شد، که برای هر نفر ۳۵۰ روپیه در هر ماه برای مصرف خوراک و سایر مصارف در هند پرداخت می شود. این آموزش پر مصرف بوده و از من پرسیده شد که آیا این مصرف در مورد صاحبمنصبان دیگری که برای آموزش به هند فرستاده می شوند، به همان اندازه بالا خواهد بود.

آتشه نظامی سفارت انگلیس می افزاید که «جنرال محمد داؤد خان و محمد عمر خان راجع به پلان های قوای هوایی شان به شمول خریداری طیاره تعلیمی و جنگی، و آموزش پیلوت های افغان در هند صحبت کردند.



آنها از من، بعد از مشوره با آموزگار انگلیسی پیلوت ها، نظریاتم را برای خوبترین راه های بهتر ساختن مؤثریت قوای هوایی خواستند. آنها سفر یک افسر ارشد قوای هوایی شاهای انگلستان به کابل را مناسب ندانستند زیرا ممکن است شک روسیه را برانگیزد، اما با آمدن آن به حیث مهمان خصوصی من مخالفت نمی کنند».

ارسال آموزگاران قوای هوایی انگلیس

تقاضای اشتغال دو یا سه صاحبمنصب یا مأمور دیگر نیروی هوایی شاهای انگلستان، یکی به عنوان ناظر و مربی و دیگری مربی عکاسی، مشابه به صاحبمنصبان و مأمورین نیروی هوایی شاهای انگلستان که در سال ۱۹۴۱ در کابل بودند.»

و این هم کاپی یک مکتوب دیگر محرمانه سفیر انگلیس در کابل به

اولاف کارو، در شعبه امور خارجی، حکومت هند بریتانوی در دهلی جدید. درین مکتوب سفیر انگلیس به ضمیمه که مکتوب آتشه نظامی سفارت راجع به تجهیزات نظامی و آموزش اردوی افغانستان میباشد، اشاره نموده مینویسد که «این مکتوب جامع بوده و نیازی برای علاوه کردن از طرف من ندارد. علی محمد وزیر امور خارجه چند روز قبل به من گفت که پیشنهادات شان حالا آماده بوده ولی وی میخواهد اول عمدتا راجع به جنبه مالی موضوع صحبت کند و او در چند روز آینده برای این کار آماده خواهد بود.

وزیر حربیه [سردار شاه محمود خان] بعد از ظهر امروز برای صرف چای نزد من می آید، و اگر وی مایل باشد، من برایش فرصت صحبت خواهم داد، اما تعجب نخواهم کرد اگر او یا هیچ چیزی نگوید و یا هم گفتارش را به عمومیات محدود سازد. من در گذشته، مثلا در رابطه با اوضاع ولایت جنوبی، علیرغم ادعایش که مشتاق است درین رابطه و موضوعات دیگر مربوط به آن صحبت مکمل داشته باشد، او را ندیدم مایل به رفتن به جزئیات باشد. (اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب مؤرخ ۲۶ می ۱۹۴۵ سفارت انگلیس در کابل)

در تلگرام ۱۳ ماه جون ۱۹۴۵ سفیر انگلستان قیمت اسلحه و تجهیزات درخواستی وزیر خارجه افغانستان را بدون قیمت تانک ها بیست میلیون روپیه هندی تخمین نموده، اما آتشه نظامی سفارت آنرا ۲۶ میلیون روپیه یا دو میلیون پوند ستیرلینگ تخمین میکند.

در مکتوب جوابیه دیپارتمنت امور خارجه حکومت هند بریتانوی به تاریخ ۱۷ جون ۱۹۴۵ از سفیر در کابل خواسته میشود تا نظرش را راجع به عکس العمل روسیه به مقابل دادن مجانی این اسلحه و مهمات بداند.

ملاقات دیگر سردار داود خان با آتشه با آتشه نظامی انگلیس

در یک مکتوب دیگر آتشه نظامی سفارت انگلیس از کابل مینویسد که «من ملاقات دیگری در رابطه با کمک بریتانیا به ارتش افغانستان داشته ام، که پیشینه کلی تری را در مورد عکس العمل های افغان ها به پیشنهاد نمادین تسلیحات و تجهیزات و امکانات آموزشی برای مقامات افغان در هند ارائه می دهد. وزارت امور خارجه از من خواست که به تاریخ ۱۲ جون [۱۹۴۵] با دیگر جنرال محمد داود خان، قوماندان قول اردوی کابل تماس بگیرم، زیرا او مایل بود در مورد موضوعات مختلف با من گفتگو کند.

من در زمان تعیین شده با او ملاقات کردم و در زیر شرح مختصری از مصاحبه او را که دو و نیم ساعت به طول انجامید، ارائه می کنم. دیدگاه های محمد داود قابل توجه است، زیرا او جدا از اینکه برادرزاده صدراعظم و وزیر دفاع است، نیروی محرکه اصلاحات پیش بینی شده در ارتش افغانستان و وزیر حربیه احتمالی آینده نیز میباشد.

من هرگز در گذشته او را به عنوان یک دلسوز خاص نسبت به انگلیسی ها ندیده ام، بلکه به عنوان یک ملی گرای افغان که ترجیح می دهد، در صورت امکان، هرگونه کمک نظامی مورد نیاز خود را از کشورهای غیر از بریتانیای کبیر و روسیه دریافت کند، میدانستم. من در یکی دو سال گذشته، صحبت های غیر رسمی فراوانی با او داشته ام و متوجه شده ام که او به تدریج دیدگاه های خود را نسبت به کمک های بریتانیا به نیروهای مسلح افغانستان تغییر می دهد.

به همین مناسبت او آشکارا آمد و به طور آزادانه و صریح در مورد مشکلات پیش روی کشورش، به خصوص مسائل مربوط به سازماندهی مجدد و آموزش اردو و نیروی هوایی صحبت کرد.

هدف اصلی او از درخواست تماس با من، درخواست مشاوره در مورد اعزام حدود پنجاه (۵۰) صاحب منصب اردوی افغانستان و مامورین غیر نظامی افغان برای آموزش به هند بود و او اعلام کرد که فهرست افراد و کورس های آموزشی که حکومت افغانستان می خواهد، در طی دو هفته آینده برای من ارسال می شود» (اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب شدیداً محرمانه شماره ۴۰۲/الف/آتشه نظامی سفارت انگلستان در کابل، مؤرخ ۱۶ جون ۱۹۴۵).

او می افزاید که «جنرال محمد داود تاریخچه مختصری از گذشته و ایده ها و برنامه های خود برای سازماندهی مجدد اردوی افغانستان رابه من بیان نمود. مهم ترین نکاتی که وی در این گفتگو بیان کرد:

الف - اینکه حکومت افغانستان از شورش سالهای ۱۹۲۹ تا ۳۰ بسیار زیاد آموخته است، پس از آنکه امان الله پادشاه سابق تلاش کرده بود اصلاحات را خیلی سریع انجام دهد و در عین حال از اردوی خود غفلت کرده به پروژه های

ساختمانی و صنعتی پرداخته بود. حکومت کنونی نیز با همین مشکلات روبه‌رو بود و افرادی بودند که می‌خواستند بدون در نظر گرفتن افکار اقوام و عشایر نسبت به طرح‌های خود، از منابع کشور بهره‌برداری کنند و تمام امکانات موجود را صرف ایجاد کارخانه‌ها و غیره کنند. انبوه فلزات ساختمان‌ها و کارخانه‌های سوخته‌شده بین کابل و جلال‌آباد گواه کافی بر حماقت بی‌توجهی به ارتش بود. او [محمد داؤد خان] احساس می‌کرد که پیشرفت در توسعه منابع و تجارت آنها باید با پیشرفت برابر در ایجاد اردو و قوای هوایی کارآمد برای تضمین ثبات حکومت و حفظ آرامش در کشور باشد. برخی از اقوام افغانستان با اصلاحات و حتی گسترش آموزش مخالف بودند و نادیده گرفتن این احساسات برای آنها احمقانه است.

ب - هدف او ایجاد یک ارتش منظم کوچکتر، مجهزتر و آموزش دیده با قابلیت حفظ امنیت داخلی و به دست آوردن کنترل تدریجی و فزاینده بر قبایل در ولایت های های شرقی و جنوبی بود.

ج - اینکه ارزش یک ارتش داوطلب را درک کرده و ارزش یک داوطلب را در هر ارتشی به ۲ سرباز پیشگی می‌رساند. او تمایل داشت که استخدام به صورت داوطلبانه آغاز شود، اما به دلایل مالی ارائه چنین سیستمی دشوار بود و تغییرات فقط به تدریج انجام می‌شد.

او اعتراف کرد که تنها فیصدی کمی از افغان‌های در سن عسکری مایل به خدمت در صفوف اردو بیش از دو سال خدمت عسکری خود هستند. او قبلاً اقداماتی را برای تغییر این وضعیت انجام داده بود و تعداد معدودی از پسران و مردان را به عنوان متخصص استخدام نموده که اکنون در حال آموزش می‌باشند. با این حال، به دلیل کمبود داوطلب، پیشرفت درین زمینه کند بود.» (همانجا)

(پایان این قسمت)